



hoseinzadeh_r@yahoo.com
رحمان حسین زاده

اسلامی اسپرو در زندان ننگه داشته است. اما آزادی اصانلو مستقیماً به مبارزه و تصمیم کارگران شرکت واحد گره خورده است. این حکم متناقض برای یک ناظر بیرونی و یک فرد نا آشنا به روند تحولات در ایران و نا آشنا به کشمکش

صفحه ۲

به کارگران شرکت واحد آزادی اصانلو در گرو تصمیم شماست

سه هفته از بستن سندیکای کارگران شرکت واحد و دستگیری دبیر سندیکا منصور اصانلو گذشته است. عکس العمل متحدانه و مصمم اولیه و شروع اعتصاب قدرتمند روز ۴ دی ماه و تداوم جنب و جوش اعتراضی کارگران شرکت واحد و کمپین بین المللی حمایتی هنوز منجر به آزادی اصانلو و بازگشایی سندیکا و تحقق دیگر خواسته های برحق کارگران نشده است. امروز این سؤال در مقابل همه کارگران شرکت واحد و همه ما قرار دارد.

آزادی اصانلو در گرو چیست؟ منصور اصانلو را جمهوری

جمعه ۵ منتشر میشود



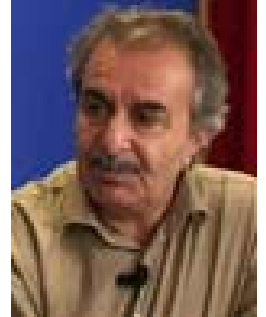
حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

سر دبیر: اعظم کم گویان ۲۳ دی ۱۳۸۴ ۱۳ زانویه ۲۰۰۵

www.hekmatist.com

مردم! خطر کاملاً جدی است!

راه حل مساله اتمی، انداختن جمهوری اسلامی توسط خود مردم ایران است



fateh_sh@yahoo.com

فاتح شیخ

سران جمهوری اسلامی با شکستن پلمب نیروگاه اتمی نطنز و از سرگیری عملی غنی کردن اورانیوم (که از دو سال پیش متوقف شده بود) عملاً ستارت یک آتش بازی عمدی و بانقشه رازده اند. نسبت دادن این مساله به "حمایت" احمدی نژاد از جانب هر کس که باشد حماقت و خود فریبی فاحشی است که برای مردم بسیار گران تمام میشود. این یک مبارزطلبی حساب شده جمهوری اسلامی در برابر غرب است. حساب کرده اند که در پی "انتخابات" عراق و با توجه به روند کم و بیش تثبیت شده افزایش قیمت نفت، در حال حاضر در برابر آمریکا و غرب دست بالای پایدارتری دارند. دارند برای محکم کردن میخ حاکمیت اسلامی بر مردم ایران و عراق و حتی بخش بیشتری از منطقه، بخت خود را میازمایند. حاصل این بخت آزمائی در هر صورت جز بدبختی بیشتر برای مردم ایران و منطقه نخواهد بود.

تایید فوری این سیاست توسط رفسنجانی رئیس "مجمع تشخیص مصلحت نظام" پیام روشنی به غرب است که: همه جناحهای سهیم در حاکمیت رژیم بر آن متفق اند. غرب پیام را گرفته و در حالیکه دست و بالش چندان باز نیست در صدد

ابتدا کوتاه وضعیت واقعی و واکنشهای مختلف را بسنجیم. در "انتخابات" اخیر عراق جمهوری اسلامی برنده اصلی است. اسلام سیاسی قرار است در چهار سال آتی بین نیروهای حاضر در جدال قدرت آن کشور نیروی اول به حساب بیاید. این واقعیت که گروهبندیهای موجود قادر به ایجاد یک حکومت باثبات نخواهند شد، تغییری در مساله نمیدهد. زیرا اتفاقاً هر چه اوضاع جامعه ناامن تر و هر چه مرج تر و سناریو سیاهی تر باشد، محصولات صفحه ۲

جایگاه کردستان در به قدرت رساندن کمونیسم در ایران



مصاحبه با حسین مرادیگی (حمه سور)

کمونیست: برگزاری دومین نشست شورای کادرهای تشکیلات کردستان حزب به اعتبار موقعیت حزب در کردستان یک رویداد سیاسی با اهمیت بود. چه پیشرویهایی در فاصله دو نشست شورای کادرها در استراتژی عمومی حزب در کردستان داشته ایم؟

صفحه ۳

وبران کردن خانه های مردم بر سر مردم محله فیض آباد سنندج یک تعرض بیرحمانه به حق حیات و زندگی ماست. رژیم اسلامی نه تنها حضور ننگین اش را در محل زندگی ما به رخ ما میکشد، بلکه با بی شرمی و زهر خند، خانه هایمان را هم بر سرمان خراب میکند و وعده جنایات باز هم بیشتری را در صورت پاسخ نگرفتن قاطع از ما، به رخ ما میکشد. از این دست درازی رژیم اسلامی نباید گذشت کرد. رژیم اسلامی و

صفحه ۴

باز هم به مردم سنندج اقدام ضد انسانی رژیم در فیض آباد نباید بی پاسخ بماند! مزدوران و همکاران رژیم باید معرفی و رسوا شوند!



Iraj.farzad@gmail.com

ایرج فرزاد

جا دارد به تفصیل بررسی شود اما نهایتاً از زاویه انسانیت صلحدوست اسرائیل و منطقه و جهان میتوان با قطعیت گفت که دنیا در غیاب شارون جای بهتر و امن تری برای زندگی است. اینکه وخامت وضع شارون از همان دقایق اول در راس اخبار جهان قرار گرفت، گویای نقشی است که این ژنرال جنگی و این پرچمدار راست افراطی در مساله فلسطین، در جنگ خاورمیانه و از این کانال در سیاست منطقه و جهان داشته است. سیاستمداری

بعد از شارون فاتح شیخ

شارون دیگر در راس دولت اسرائیل نیست. وضعیت پزشکی او هر طور بشود، کاربر سیاسی اش تمام شده است. تاثیر غیاب شارون بر اوضاع سیاسی در اسرائیل، بر مساله فلسطین و بر جنگ و صلح در خاورمیانه، موضوعی است که

که سی سال پیش، حزب لیکود را در جناح راست هیات حاکمه اسرائیل در برابر حزب کارگر تشکیل داد و همپای تاجریسم و ریگانیسم در سطح جهان، سمبل سیاست راست در اسرائیل بوده است؛ ژنرالی که سمبل مشت آهنین دولت اسرائیل علیه مردم فلسطین و برپاکننده حمام خونهای مکرر بوده است؛ رئیس دولتی که دشمن لچوج هر طرح ناظر به تشکیل دولت فلسطین، جارو کننده هر امید به صلح، آمر برپایی دیوارهای بلند

صفحه ۴

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

آزادی اصائلو...

و مناسبات کارگران و مردم با جمهوری اسلامی احتمالاً گفته بی ربطی به نظر برسد. اما قبل از همه کارگران شرکت واحد و همه انسانهای درگیر مبارزه با جمهوری اسلامی متوجه هستیم، این ممکن ترین ابزار رهایی اصائلو از سلولهای زندان جمهوری اسلامی است. کارگران و مردم معترض بارها این را تجربه کرده ایم.

جمهوری اسلامی قصد از میدان بیرون کردن یک رهبر کاری و دبیر یکی از معدود تشکلهای مستقل کارگری در ایران را کرده است. قصد زهر چشم گرفتن از کل کارگران و مردم معترض را کرده است. قصد کرده یکبار دیگر اعلام کند، متحد و متشکل کردن و اعتصاب کردن تحت حاکمیت سیاه اسلامی بهای سنگینی دارد. شکنجه و پاپوش دوزی و اعمال جنایتکارانه دیگری به همراه دارد. بنابراین این جمهوری اسلامی اگر نتواند اصائلو را سر به نیست کند،

کمترین کاری که در دستور دارد فعلاً اسیر کردن او در گوشه زندان است. پس این موضوع مطرح میشود راه و ابزار آزاد کردن سریع یک رهبر کارگری که همه میدانیم جرمش چیزی جز متحد و متشکل کردن کارگران و حق طلبی نیست، کدامست؟

اعمال فشار قدرتمند علیه جمهوری اسلامی موثرترین اهرم آزادی سریع اصائلو است.

این اهرم در دست کارگران شرکت واحد است. اتحاد مبارزاتی محکم و اعتصاب سراسری کارگران شرکت واحد ابزار اصلی به عقب راندن جمهوری اسلامی و تحقق آزادی اصائلو و بازگشایی سندیکای کارگران شرکت واحد است. تجربه همین یک روز اعتصاب یکشنبه ۴ دی ماه که رژیم را هراسان و به وعده های توخالی و توطئه های ضد کارگری کشاند. همین واقعیت را باردیگر اثبات میکند. این درست است که حمایتی بین المللی و داخلی و اتحاد و همبستگی

بخشهای دیگر کارگری و مردم در ایران بسیار مهم و تعیین کننده است. اما هیچیک از این اقدامات در غیاب اعمال فشار و قدرت خود کارگران شرکت واحد به آزادی سریع اصائلو منجر نمیشود. این حمایتها و همبستگیها را باید گسترش داد و در کنار اعتصاب و مبارزه کارگران واحد به عنوان اهرمی علیه جمهوری اسلامی بکار گرفت. اما در اصل اراده و تصمیم خود کارگران شرکت واحد تعیین کننده است.

کارگران شرکت واحد! دوستان:

آزادی منصور اصائلو در دست شماست. این رسالت و وظیفه ای است که بر دوش شما است. از این گریزی نیست. با صراحت بگویم یا شما تصمیم میگیرید با اتحاد و مبارزه و اعتصاب و یا هر ابتکار دیگری در همین روزها و کوتاه مدت رهبر سندیکایتان را آزاد میکنید و یا چنین تصمیمی نمیگیرید و رهبرتان و دبیر سندیکایتان را زیر تیغ جمهوری اسلامی تنها میگذارید. میدانم و

در جریانم که تمام دلسوزیها و تلاشهای تاکنونی شما در جهت آزادی اصائلو است. اما تجربه همین مدت نشان میدهد که مقابله با مانور و توطئه های جمهوری اسلامی در جهت ایزوله کردن اصائلو هوشیاری بیشتری میخواست و میخواهد. تجربه تاکنونی پوچی وعده های قالیباف را اثبات کرده است. تجربه همین مدت این را حکم میکند که یک بار دیگر نیروی بزرگ و قدرتمندان را در یک اعتصاب هماهنگ و به منظور آزادی فوری اصائلو و بازگشایی سندیکا به میدان آورید. تمام فلسفه تلاش منصور اصائلو و هیئت مدیره و همه شما کارگران شرکت واحد برای متشکل شدن این بود که در چنین روزهایی نیروی متحدان حافظ منافع و مطالبات و رهبران و فعالین و سندیکایتان باشد. درنگ نکنید و اتحاد و شکل و اعتصابات را به کار بگیرید.

با اطمینان میتوان گفت ادامه

و همه در داخل و خارج دست در دست هم در دفاع از کارگران، برای آزادی اصائلو و حفظ سندیکای کارگران شرکت واحد در کنار کارگران شرکت واحد باشیم.



مردم! خطر ...

این "بردانخاباتی" و برتری جریانات اسلام سیاسی در عراق بیشتر خواهد بود. اسلام سیاسی در عراق هم مانند ایران محصول شرایط نامتعارف است، یک نیروی سناریو سیاهی، یک نشانه عروج لنینیسم بر جامعه است و این شرایط به باری حمله آمریکا به عراق و اشغال آن کشور کاملاً برای جریانات اسلام سیاسی حاضر در صحنه فراهم شده است. این یک برگ برنده موثر در دست جمهوری اسلامی در مصاف با غرب بر سر مساله اتمی است. آمریکا و غرب، برعکس، در عراق به فلج و بن بست پیچیده ای دچارند که قدرت مانورشان، دستکم در برابر جمهوری اسلامی، را بشدت کاهش داده است. جمهوری اسلامی به این موقعیت آگاه است. آمریکا توان تعرض نظامی موثری به جمهوری اسلامی ندارد. حملات موضعی هم چه توسط آمریکا و چه اسرائیل، باعث تقویت موقعیت رژیم اسلامی در برابر

مردم و مخالفان سیاسی آن خواهد شد. از طرف دیگر دست و بال حرفان غربی وارد آوردن یک فشار زود فرجام بر جمهوری اسلامی از کانال ارجاع پرونده به شورای امنیت باز نیست. علاوه بر امکان مخالفت روسیه و چین، روند افزایش قیمت نفت، امکان اعمال تحریم اقتصادی را محدود میکند. دیدن این وضعیت واقعی توسط مردم ایران از این زاویه مهم است که متوجه شوند پیامدهای این روبرویی میتواند چقدر خطرناک باشد. هم جمهوری اسلامی، هم غرب و اسرائیل باکی ندارند که تا مرز استفاده از مخرب ترین سلاحها از جمله سلاح اتمی بروند و این مردم از هر طرف هستند که باید بهای سنگین جنگ و ماجراجویی طرف را بپردازند.

در این میان جناح راست اپوزیسیون جمهوری اسلامی اعم از سلطنتی و جمهوریخواه روبرو کرد و سیاست بشدت نامشغولانه و خطرناکی را در پیش گرفته و پشت سیاست

های آمریکا رفته اند. در "چپ" هم شاهد نوع دیگری از بی مسئولیتی خطرناک هستیم که گویا در وسط معرکه درگیری نظامی آمریکا با جمهوری اسلامی میتوان "انقلاب" سوسیالیستی "برپا کرد! هر عقل سلیمی با مشاهده واقعات امروز میتواند بفهمد که تصاعد جدال کنونی بر سر مساله اتمی میتواند حتی سازمان دادن اعتصابات ساده کارگری را با مشکلات بیشتر روبرو کند چه رسد به بسیج انقلابی کارگران و مردم! این بی مسئولیتی "چپ" اپوزیسیون خطرناکی است که متأسفانه پرچم آن را رهبری حزب کمونیست کارگری در هوا تکان میدهد.

مردم ایران باید با توجه دقیق به اوضاع واقعی، امر سرنگونی فوری جمهوری اسلامی را در دستور پراتیک سیاسی، سازمانیافته و آگاهانه خود بگذارند. کلید راه حل مساله اتمی در دست آمریکا و غرب و شورای امنیت و آژانس بین المللی انرژی اتمی نیست،

تدارک برای خیزش و قیام علیه رژیم در زمان مناسب با هدف سرنگون کردن کامل رژیم و به دست گرفتن کنترل جامعه

۴- فشار بر سازمانهای سیاسی اپوزیسیون برای اعلام تعهد به مخالفت با هر گونه دخالت نظامی و اعمال تحریم اقتصادی و پایبندی به پرنسیپ سرنگونی رژیم اسلامی توسط مردم و حق مردم در انتخاب نظام سیاسی مردم آزادیخواه!

۱- مخالفت قاطع با هرگونه دخالت نظامی آمریکا و اسرائیل که مسلماً بجای تضعیف جمهوری اسلامی آن را تقویت خواهد کرد.

۲- مخالفت قاطع با هرگونه تحریم اقتصادی که آن هم نتیجه ای جز فشار اقتصادی بیشتر بر مردم (و نه رژیم)، تشدید فلاکت و در نتیجه گرو گرفته شدن زندگی و معیشت مردم توسط رژیم نخواهد داشت.

۳- به میدان آمدن متحدانه مردم، خارج کردن کنترل حملات و شهرها از دست جمهوری اسلامی، فلج کردن نیروهای سرکوبگر رژیم، تغییر مداوم توازن به نفع خود و



www.marxhekmatsociety.com

www.koorosh-modaresi.com

hekmat.public-archive.net

نه قومی نه اسلامی زنده باد هویت انسانی

انجمن مارکس - حکمت لندن

شنبه ۴ فوریه ۲۰۰۶ ساعت ۱ بعد از ظهر

فاتح شیخ

مارکس و تئوری کمونیسم

آدرس: Gray's Inn Road, WC1, London
Tube: Russel Square/ Kings Cross
Bus: 17,45

لطفاً از آوردن کودکان زیر ۱۶ سال خودداری کنید
ورودی: ۵ پوند

برای اطلاعات بیشتر با نسرين جلالی مدیر انجمن مارکس - حکمت تماس بگیرید:
تلفن: ۰۷۷۰۸۱۲۵۹۹۳

ایمیل: marx.hekmat@gmail.com

<http://www.marxhekmatociety.com/>

کنفرانس تشکیلات خارج کشور حزب حکمتیست: ۲۵ و ۲۶ فوریه در شهر گوتنبرگ سوئد برگزار میشود

با شرکت در این کنفرانس از نزدیک با فعالیتها و سیاستهای حزب حکمتیست در خارج کشور آشنا شوید. در این کنفرانس در بطن تحولات سیاسی نقش حزب حکمتیست و تشکیلات خارج کشور آن مورد بحث قرار میگیرد.

جهت ثبت نام با hekmatist. aboard@gmail.com

و شماره تلفن تماس بگیرید (44) 37 22 590 781

شرکت برای عموم آزاد است

کمونیست کارگری - حکمتیست

جایگاه کردستان...

به عنوان یک جریان فکری و سیاسی خلاف جریان، متفاوت از کل اپوزیسیون چپ ایران، در صحنه سیاسی ایران تثبیت کند. این ادعا را میشود در رویدادهای سیاسی مهم این یکسال گذشته ایران و در پراتیک و سیاست های حزب حکمتیست ردیابی کرد. فعالیت تشکیلات کردستان حزب را نیز باید در این متن دید و تشکیلات کرد. تشکیلات کردستان حزب بویژه در چند ماه گذشته و بدنبال دخالت فعال ما در اعتصاب عمومی شهرهای کردستان ایران در ۱۶ مرداد ماه که از سال ۵۸ به بعد جمهوری اسلامی با چنین اعتراض وسیع و متشکلی روبرو نشده بود، همزمان حضور رهبران کمونیست در میان مردم، عبدالله دارابی و مجید حسینی، رهبران محبوب و شناخته شده مردم در کردستان، همراه کادرهای پخته و با تجربه حزب، یدی کریمی، خالد علی پناه، کمال مه ر ه بزان و سردار نگلی در اطراف شهر مریوان و اعلام گارد آزادی، تحرک جدی ای به فعالیت خود داد و با آن امید و انتظار دیگری را از حزب و از خود در جامعه مطرح کرد. همزمان با این ها راه انداختن کمپین های گسترده برای آزادی فعالین کار گری، برای آزادی دستگیرشدگان اعتصاب عمومی و رویدادهای سه هفته قبل آن در شهرهای کردستان که منجر به آزادی تعدادی گردید، حزب را همراه دیگر فعالیتهای آن در مجموع یک گام دیگر به جلو برد. برگزاری ۸ مارس و جشن اول ماه مه در سنندج، همچنین اعتصابات و اعتراضات کارگری بویژه اعتصاب کارگران نساجی سنندج و کارگران کارخانه شاهو،

برگزاری فستیوال آدم برفی، رژه و نمایش های روز کودک در شهر سنندج و دهها مورد اعتراض دیگر به جمهوری اسلامی، حکایت از فضای معترض و پر جنب و جوش کردستان در این مدت دارد.

آنچه که در دل پراتیک این دوره ما یک بار دیگر برجسته شد، جایگاه و اهمیت کردستان در به قدرت رساندن چپ و کمونیسم در ایران، به اعتبار نفوذ و قابلیت قدرتمند شدن کمونیسم و چپ در آن جامعه است. از این زاویه وقتی به تشکیلات کردستان حزب نگاه کنیم، تشکیلات کردستان حزب هم توقع و انتظار بزرگی را در تعهد به حزب و جامعه از خود مطرح ساخته است و هم به کاری که در این مدت کرده ایم میتوان بعنوان نقطه شروعی البته نقطه شروع بسیار خوبی نگاه کرد. به این دلیل این میزان از فعالیت در مقابل اقدامات بعدی ای که باید و در دستور کار داریم هنوز گامی از دهها گام مهمی است که حزب حکمتیست و تشکیلات کردستان این حزب در پیش رو دارد. کردستان و در درجه اول جنوب آن باید به سنگر کمونیسم و انقلاب آتی در ایران تبدیل شود. این کار بدون خودستایی و اغراق از ما ساخته است، به دلیل وجود رهبران کمونیست و با نفوذ در میان توده مردم که مردم سیاست و حرف آنان را سیاست و حرف خود میدانند، به دلیل خاصیتها و توانایی ها و ظرفیت و پتانسیل که در حزب حکمتیست و تشکیلات کردستان کردستان حزب داریم این کار تنها از ما ساخته است. واضح است آن را باید فعالیت شبانه روزی و آگاهانه و متحدانه ای خود پیش برد. تشکیلات

کردستان حزب با همه مشکلات و پیچیدگیها و ظرافتی که این کار دارد، مصمم است که آن را انجام دهد و این نشست این را به حزب و به جامعه متعهد شد.

کمونیست: اصلی ترین جهت گیریهای مصوب نشست شورای کادرها کدامند؟

حسین مرادیگی: گسترش گارد آزادی در ابعاد مختلف آن، گسترش وسیع حزب حکمتیست و قوام بخشیدن به حزب و حزبیت در محیط کار و زیست توده کارگر و دیگر مردم آزادیخواه و برابری طلب در شهرهای کردستان ایران که درجه وسعت و استحکام آن با میزان نفوذ و قدرتمند شدن حزب در جامعه خوانایی داشته باشد. سازماندهی تعرضی وسیع و گسترده به جمهوری اسلامی و زیر فشار قرار دادن آن. به حاشیه راندن طرح قدرالایسم قومی، بی آبرو کردن خرافه قومی و ملی، در میان بخش فعاله طبقه کارگر و دیگر مردم آزادیخواه بطوریکه فردا نتوانند آن را به مانعی در به قدرت رسیدن کمونیسم و چپ در ایران تبدیل کنند. و از این زاویه تعرض به ناسیونالیسم کرد و کل اپوزیسیون راست جامعه که پشت این طرح به صف شده اند. در دسترس قرار دادن رهبران محبوب و با نفوذ حزب حکمتیست در میان مردم و چفت شدن مجدد آنان با محیط فعالیت خود. و سرانجام دخالت در همه رویدادهای شهرهای کردستان، از کوچک و بزرگ آن. این ها بطور خلاصه و موجز اصلی ترین جهت گیریهای مصوب دومین نشست شورای کادرها هستند در راستای رسیدن به هدفی که در بالا به

آن اشاره کردم و تشکیلات کردستان حزب آن را متعهد شده است. واضح است سیر تحولات از آنچه که ما حتی پیش بینی کرده ایم میتواند سریع تر پیش رود و این از هم اکنون شتاب و تعجیل بیشتری را در پیشبرد همین جهتگیریها می طلبد و چه بسا تغییراتی جدی در کار ما ایجاد کند که برای آن نیز باید آماده بود.

کمونیست: پیام شما برای فعالین و دوستداران حزب و مردم شهرهای کردستان چیست؟

حسین مرادیگی: از کارگران، زنان و جوانان آزادیخواه و برابری طلب در کردستان میخواهم که به جمهوری اسلامی مجال نداده و به آن تعرض کنند. اجازه ندهند که جمهوری اسلامی به آنان دست دراز کند. در چند روز اخیر در محله فیض آباد سنندج مزدوران جمهوری اسلامی شبانه خانه های بیش از صد نفر از مردم این محله را سرشان خراب کرده اند. مردم سنندج نباید اجازه دهند که جمهوری اسلامی خانه های مردم را سرشان خراب کند. شهر سنندج می بایستی علیه این تجاوز آشکار جمهوری اسلامی به حریم مردم به حرکت در میاید. اجازه ندهید که مزدوران جمهوری اسلامی به محله شما پا بگذارند، هر جا که ظاهر شدند آنها را سنگ باران کنید. لیست تمامی ماموران شهرداری، مزدوران انتظامی جمهوری اسلامی و راننده های بولدورهای را که جرات میکنند به دستور جمهوری اسلامی خانه های مردم را خراب کنند در اختیار ما قرار دهید. نام آنها را در سطح شهرها به در و دیوار بنویسید تا دیگر جرات نکنند خانه های مردم را سر مردم خراب

کنند. جمهوری اسلامی هرچند چنگ و دندان نشان دهد این آخرین زور و فشارش است. تعرض متقابل و یکپارچه مردم حتی اگر در اعتراض به چنین وقایعی نبر شروع شود میتواند سرآغاز فروپاشی جمهوری اسلامی باشد. مردم دیگر شهرهای کردستان نیز در چنین مواقعی نباید دست روی دست بگذارند. باید با فرستادن نماینده، با جمع آوری طومار اعتراضی از کارگری که اعتصاب میکند و از زن و جوان و از مردمی که مورد تعرض جمهوری اسلامی واقع میشوند حمایت و پشتیبانی کنند. همبستگی و اتحاد ما ضامن عقب نشاندن جمهوری اسلامی است.

همچنین از همه کارگران و فعالین کارگری، از زنان و جوانان برابری طلب و آزاده میخواهم که وسیعاً به حزب حکمتیست بپیوندند. از جوانان میخواهم که وسیعاً به گارد آزادی بپیوندند. هرچند نفر که همدیگر را می شناسید و به همدیگر اعتماد دارید، گروههای گارد آزادی را تشکیل دهید. با ما تماس بگیرید، ما به شما خواهیم گفت که چکار بکنید. حزب حکمتیست به شدت از لحاظ مالی به کمک مالی شما احتیاج دارد. تنها منبع مالی این حزب کمهای مالی شما و اعضاء این حزب است. حزب حکمتیست را از لحاظ مالی کمک کرده و تقویت کنید. حزب حکمتیست بدون اغراق نقطه امید کمونیسم و چپ و آزادیخواهی در ایران است. به این حزب بپیوندید. تا با هم جمهوری اسلامی را سرنگون کنیم و جامعه و مردم را از دست کلیت نظام وارونه سرمایه داری رها سازیم.

مرگ بر جمهوری اسلامی زنده باد جمهوری سو سیالیستی!

باز هم به مردم سندنچ

مزدورانش باید بفهمند که تصورشان از قدرت و نیروی اتحاد ما اشتباه و احمقانه است. واقعیت این است که جنایات رژیم اسلامی نسبت به مردم، از خصوصیات اساسی و هویتی رژیم اسلامی و پایه و ستون ادامه قدرت و سلطه یک مشت مفت خور و طفیلی اسلامی است. این چنگ و نشان دادن رژیم جنایتکاران اسلامی باید از همه ما یک پاسخ کوبنده بگیرد. به نظر من کارها و اقدامات زیاد و در عین حال عاجلی میتوان انجام داد از جمله:

تمامی کسانی را که در تخریب خانه های مردم شرکت کرده اند، باید به نام و مشخصات افشا کرد، نام آن دائره و نهادهی که دستور تخریب منازل را صادر کرده است و تمامی کسانی که این تصمیم ضدانسانی را گرفته اند باید علنی ساخت و نام و مشخصات کسانی را که پشت بولدوز و همراه نیروهای مامور تخریب مسکن مردم بوده اند را در دسترس همگان گذاشت. همه این مدارک جرم و مستندات و مدارک جنایت نسبت مردم را برای ما و آدرسهای ما بفرستید تا چهره کسانی را که جرات کرده اند به محل زندگی ما تعرض و خانه و مسکن را بر سر عزیزان ما خراب کنند به عنوان شرکای جنایتکار رژیم اسلامی به همه بشناسانیم.

مردم فیض آباد و محروم شدگان از خانه و مسکنشان را نباید یک

لحظه تنها گذاشت. مقامات شهرداری و فرمانداری و استانداری و امنیتی و نظامی رژیم در سندنچ وقیحانه اعلام کرده اند، آنها، تصمیم دارند تعداد بیشتری از خانه های مردم فیض آباد را تخریب کنند. این یک هشدار جدی است. در شرایط فقدان یک اتحاد و همبستگی محکم بین مردم، رژیم اسلامی به تعرض خود به زندگی ما، امروز در فیض آباد و فردا در محلات دیگر ادامه خواهد داد. رژیم اسلامی و ادارات و مقامات مختلف آن دارند ظرفیت و قدرت مقاومت و درجه اتحاد ما مردم را میسجند و به بوته آزمایش میگذارند. باید به آنها نشان بدهیم که اوهام ارتجاعی آنها در چنگ انداختن به محلات ما و تجاوز به حریم زندگی ما پوچ و بی پایه است. باید این خواب و خیالات ارتجاعی جنایتکاران اسلامی را از سرشان پرند.

نمونه فیض آباد باید به یک سنگر مقاومت در شکست دادن تعرض جمهوری اسلامی به زندگی و محل زیست ما تبدیل شود. این محله باید به مرکز جمعیت شبانه روزی همه مردم سندنچ تبدیل شود. مردم باید با نشان دادن نیروی جمعی خود به مقامات رژیم اسلامی بفهمانند که فورا دست بکار بازسازی خانه های مسکونی بشود.

پرداخت خسارت به آسیب دیدگان این دست درازی مردم باید فورا مطالبه شود و هر انسان

شریف و مدافع حقوق مدنی مردم از تمامی کانالها، این خواست و مطالبه را پیگیری کند.

مردم فیض آباد را در پیگیری خواسته های خود یاری کنید. اگر قرار است در مقابل فلان نهاد رژیم در سندنچ تجمع کنید، در ابعادی وسیع آنان را همراهی کنید. اگر قرار است دست به تظاهرات بزنند، شهر را تعطیل و مغازه ها را ببندید، اگر قرار است در برابر نیروهای سرکوبگر رژیم بایستند، برای فراری دادن مزدوران به کمکشان بشتابید، اگر قرار است حتی طومار اعتراضی جمع کنند، صدها هزار امضا جمع کنید و به هر نهاد بین المللی و مدافع حق بشر بفرستید. نگذارید پرونده جنایت رژیم در برابر مردم فیض آباد بسته شود و یا با سیاستهای دست بسر کردن مردم، مقامات رژیم برای خود وقت بخرند.

اسکان فوری کسانی که مسکنشان را ویران کرده اند، باید فورا از مقامات رژیم مطالبه کرد.

یک واقعیت انکار ناپذیر در مورد فیض آباد و یک مثال بسیار خاص، تقابل مردم با رژیم اسلامی است. این مورد میدان آزمایش رژیم و قدرت نفوذ و تعرض آن و نهادهای آن در محلات مسکونی است. رژیم

اسلامی و مزدورانش نه تنها در محله فیض آباد جرات عرض اندام و حضور داشته اند، بلکه در

روز روشن و در برابر چشمان ما، خانه هایمان را بر سرمان ویران کرده اند. این اصلا نباید برای ما قابل قبول باشد. این با توازن قوای ما مردم سندنچ و رژیم اسلامی در طول تاریخ ۲۷ ساله گذشته ناخواناست. ما باید بار دیگر ثابت کنیم که رژیم اسلامی در محلات کار و زندگی مان نباید کوچکترین قدرتی داشته باشد. بنکه های سندنچ در زمستان و بهار سالهای ۵۹ و ۶۰ را به یاد بیاورید. رژیم اسلامی و نیروهای آنرا در سوراخپایشان زندانی کنید و اجازه عرض اندام و حضور آنها را در هیچ محله ای ندهید.

مردم سندنچ!

قدرت ما در اتحاد و همبستگی ماست. بگذار بار دیگر شهر سندنچ، شهر بزرگترین عرض اندامهای مردم آزادخواه و شهر چهره های انقلابی های بزرگ، بار دیگر صحنه به خاک مالیدن

پوزه جنایتکاران رژیم اسلامی باشد. باید تمامی مقامات و نهادهای کسانی را که در تعرض به زندگی و مسکن مردم فیض آباد دخیل بوده و شرکت داشته اند، رسوای خاص و عام کرد. باید آنها را به اتکا نیروی متحد ما مردم سندنچ واداشت که دشمنان را روی کولشان بگذارند و گور خود را از محل زندگی و مسکن و محلات ما، گم کنند.

مردم مبارز سندنچ! جوانان انقلابی! آزادخواهان!

تاریخ ۲۷ سال ایستادگی و مقاومت ما در برابر تلاشهای جنایتکارانه رژیم اسلامی سرشار از ابتکارات و تجاربی است که میتوانند با قدرت و نیروهای پرشور و انقلابی نسل جوان ترکیب شوند تا برتری روحی ما بر رژیم اسلامی کماکان هراس و وحشت را در دل حکام اسلامی زنده نگاه دارد. آنچه که مسلم است و ما مردم سندنچ باید تضمین کنیم این است که در مصاف مردم و رژیم، در مبارزه برای در هم شکستن تعرض به خانه و محل زندگی مردم فیض آباد، ما مردم باید پیروز شویم. جمهوری اسلامی و نهادهای مزدورش باید بفهمند که قدرت چنگ انداختن به محل زندگی ما را ندارند. جمهوری اسلامی در مصاف با مردم فیض آباد، باید بداند که هیچکدام از ما ساکنین شهر سندنچ آنها را یک لحظه تنها نخواهد گذاشت. رژیم اسلامی باید پاسخ کوبنده ای از همه ما مردم سندنچ بگیرد. این رژیم و مزدورانش را باید سر جایشان نشاند. جمهوری اسلامی روز روشن و در ملا عام، آنهم در مراحل مرگ و فروپاشی خود، در تعرض به ما و آزادخواهی ما، یک سنگر را در فیض آباد و در محل کار و زندگی مان، از ما گرفته است، باید آنها را تاراند و شکست سختی نصیب آنها کرد. تعرض رژیم به محل زندگی ما، تلاش برای حاکم کردن فضای رعب و هراس بر زندگی ما هم هست. این را نباید اجازه داد.

بعد از شارون

یک زندان بزرگ برای فلسطینی ها و عامل سرکوب خشن و فقر و فلاکت روزافزونشان بوده است؛ اکنون که به آخر نقش سیاسی اش رسیده، بیشک حکم سخت و سنگینی از قضاوت افکار عمومی خواهد گرفت. اما مهمترین از هر حکم و قضاوتی این واقعیت است که غیاب شارون از صحنه در میانه بحران حکومتی جاری و در آستانه انتخابات پیش از موعد در ۲۸ مارس، به جامعه اسرائیل فرصتی واقعی برای یک شیفت سیاسی داده است.

شارون راست افراطی را در اسرائیل نه فقط به اوج رساند بلکه به پرتگاه بن بست و شکست هم کشاند. خروج او از لیکود و تشکیل حزب راست میانه "کادیمه" نزد افکار عمومی و آگاهان سیاسی، اعتراف او به افول خط راست افراطی در سیاست اسرائیل تعبیر شد. همزمان، انتخاب امیر پرتز،

سیاستمدار چپ، به رهبری حزب کارگر بجای شیمون پرز که سالها در برابر شارون سپهر انداخته بود، نشانه چرخش جامعه به چپ و مطرح شدن جناح چپ هیات حاکمه در شرایط قفل کردن جناح راست و دوشقه شدن حزب لیکود بود. چرخش به چپ جامعه و تغییر آرایش سیاسی هیات حاکمه، مردم اسرائیل را با یک انتخاب سیاسی جدی روبرو کرده است.

رهبر جدید حزب کارگر رهبر کنفدراسیون اتحادیه های کارگری اسرائیل "هیستادروت" است که سنتا زیر رهبری حزب کارگر ابزار رفرم سوسیال دمکراتیک بوده است. دست بدست شدن حکومت بین جناحهای بورژوازی یک مکانیسم شناخته شده دور نگهداشتن کارگران و مردم از قدرت و دخالت در سرنوشت سیاسی جامعه بوده و شکی نیست که در انتخابات آتی اسرائیل هم همین

مکانیسم کار خواهد کرد. اما در اوضاع سیاسی - مشخص کنونی اسرائیل انتقال قدرت به جناح چپ، برای حل مساله فلسطین، برای چشم انداز صلح در خاورمیانه و برای چرخش به چپ در خود جامعه اسرائیل معنی سیاسی و تاکتیکی مثبتی دارد.

شیفت قدرت در هیات حاکمه قطعاً راه حل واقعی مسائل جامعه اسرائیل نیست، اما با حل مساله فلسطین میتواند کمک کند که مسائل جامعه اسرائیل سر جای واقعی خود چیده شوند، طبقه کارگر در اسرائیل بیش از این خود را از سر وجود نامانی دائم، با بورژوازی هم سرنوشت نداد، از زمینگیری ناشی از نامنی درآید و به حرکت حیاتی و مبارزاتی خود تکانی بدهد. نامنی جامعه اسرائیل برای طبقه کارگر فلج فکری و حرکتی بیار آورده که حاصل آن برای بورژوازی اسرائیل دست باز برای

کمونیسیت را تکثیر و پخش کنید!



به حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست پیوندید!